

هفت سیمین . [هـ] (اِ مر کب) از مشهور  
ترین مراسم نوروز آراستن هفت سین است  
و آن کرد آوردن هفت چیز است که نام آنها  
با حرف «س» آغاز گردد . معمولاً بین  
اشیاء ذیل ، سیب ، سیاهدانه ، سنجد ، سماق  
سیر ، سرکه ، سبزه (دانه‌های گندم و امثال  
آن که قبلاً در بشقابی کاشته و سبز کرده‌اند)  
سبزی ، سمنو ، هفت چیز را انتخاب می‌کنند  
سنت مزبور بسیار کهن بنظر میرسد در گیلان  
خوانچه هفت سین در جشن هروسی نیز  
موسوم است . ( از رساله شماره هفت و  
هفت پیکر نظامی تالیف دکتر محمد معین ) .  
هفت قسم سبزه بوده که بر هفت استوانه در  
کنارخانه بنوروز سبز میکردند .  
( آثار الباقیه . ترجمه فارسی ص ۲۴۵ ) .  
و از این رو معلوم میشود هفت سین ، هفت  
سبزی یا هفت سبزه است . ( یادداشت مؤلف ) .

آنرا فراموش نمیکنند و ایرانیان مقیم ترکیه و مصر و هندوستان نیز در جامعه خود این رسوم و آداب را معمول میدارند:

**توپ مروارید:** در میدان ارگ- طهران توپ کهن سالی بود که مدت صد سال بر فراز صفا ای جا گرفته بود و چون بیران زمین گیر از جای خود نمی‌جنبید - شبهای چهارشنبه سوری زنان و دخترانی که حاجتی داشتند مخصوصاً آن زنانی که در آرزوی شوی بودند از آن توپ بالا میرفتند و بر فراز آن دمی می‌نشستند و از زیر آن میگذشتند و در بر آورده شدن آرزوی خود شک نداشتند و بچه‌های شیر خوار را که باصطلاح «نحسی» میکردند یا ربه میرفتند از زیر توپ مروارید و سر در نفازه خانه میگذرانیدند.

این توپ را توپ مروارید مینامیدند و افسانه‌های گوناگون در حق آن میگفتند. **آتش افروختن:** زیبا ترین و شاید قدیمترین آداب چهارشنبه سوری آتش افروختن و جستن از آن و شادی کردن در کنار آتش است...

اینک تقریباً در تمام ایران شب چهارشنبه سوری توده‌هایی از بوته خود روی بیابانی فراهم می‌آورند و نزدیک یکدیگر قرار میدهند زن و مرد و پیر و جوان در صحن خانه یا در میدانهای عمومی و بر سر چهار سوها و چهار راههای شهر و آرزوی این اخگرهای افروخته یکی پس از دیگری جستن میکنند و در هر جستی میگویند: «زردی من از تو سرخی تو از من» یعنی زردی بیماری و ناتوانی را از من بستان و سرخی و شادابی و تندرستی را که در خود داری بمن ببخش «پس از سوخته شدن خاک کستری را که از آتش میماند باید در خاک اندازی جمع کنند و از خانه بیرون برند و در کنار دیوار بریزند و آنکس که آنرا بیرون ریخته است در باز گشت در میزند باید از درون خانه از او بپرسند: «کیست؟» و او جواب دهد: «منم» گویند: «از کجا آمده‌ای؟» «جواب دهد که: «از عروسی» بپرسند: «چه آورده‌ای؟» گویند: «تندرستی».

**کوزه شکستن:** مردم طهران تا چند سال پیش که از سر در نفازه خاله بالا میرفتند کوزه‌ای آب ندیده با خود میبردند و از آنجا بزمین میافکندند و میشکستند و کسانی که بدانجا دسترس نداشتند از بام خویش کوزه را بزمین میافکندند! اینکار در بسیاری از نقاط ایران معمولست و عقیده دارند که بلاها و قضا‌های بد را در کوزه متراکم کرده‌اند و چون بشکنند آن قضا و آن بلا دفع شود...

### چهارشنبه سوری. [ش.یب] (رامر کب)

آخرین چهارشنبه اسفند ماه هر سال. شمسی که ایرانیان در شب آن چهارشنبه جشن چهارشنبه سوری میکنند و آداب و رسوم خاصی را در آن شب بر گزار میکنند. جشن چهارشنبه سوری که از جشن‌های ملی و باستانی ایرانیانست و هنوز در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران شب این روز را بطرز خاصی جشن میکنند. آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه تهران در شماره ۱۱ سال اول و شماره ۱ سال دوم مجله مهر درباره «چهارشنبه سوری» مقاله مفصل و محققانه‌ای نوشته‌اند که قسمت هایی از آن مقاله را در اینجا نقل میکنیم: «اشفاق ترکیب [چهارشنبه سوری] یعنی چهارشنبه عیش و عشرت خود می‌رساند که این شب را برای جشن و سرور بنیاد گذاشته‌اند.

این جشن‌های ملی از قدیمترین زمانهای تاریخ در میان ایرانیان بوده است. ... شب چهارشنبه سوری در ایران آئین خاص و تشریفات گوناگون دارد که هر يك از آنها را در ناحیه دیگر میتوان یافت. این چهارشنبه سوری یا شب چهارشنبه آخر سال بر دو قسم است یکقسمت از آن عمومی و مشترک میان تمام مردم ایرانست که حتی بعضی از آنها را در ملل دیگر نژاد آریا میتوان یافت و قسمت دیگر آئین خصوصی است که مردم تهران بدعت گذاشته‌اند و از اینجا کم و بیش شهرهای دیگر ایران رفته است.

آن قسمت از آئین این شب که در تمام ایران معمولست از کمرمان گرفته تا آذربایجان و از خراسان تا خوزستان و از گیلان تا فارس یعنی تمام این دشت وسیع که ایران امروز را فراهم ساخته است و زیباترین بقایای ایران باستانی است در هر شب چهارشنبه آخر سال با شور و دل بستگی خاصی آشکار می‌شود تمام مردم آذربایجان چه در شهر و چه در ده‌ها در آن شرکت دارند و حتی هنوز در میان مردم قفقاز معمولست. ایرانیانی که از دیار خود دور افتاده‌اند نیز

**آجیل :** در شب چهارشنبه سوری آجیل خوردن از رسوم و آداب مخصوص است و مخصوصاً بایستی آجیل شور و شیرین باشد . . . .

در میان زنان ایران در شب چهارشنبه سوری و حتی مواقع دیگری که کسیرا مشکلی در پیش باشد و استعجاب مرادی را بخواهد آجیل مخصوصی با آداب و حضور قلب خاصی معمول است که آنرا نذر میکنند و داستان شیرینی برای ابتکار آن میگویند . . .

آجیل مشکل گشا از آداب خاص شب چهارشنبه سوری نیست ولی کسانی که بدان اعتقاد کامل دارند گذشته از آنکه شب جمعه آخر هر ماه بدان عمل میکنند شب چهارشنبه سوری نیز با آداب آن میبردارند.

**فالگوش :** کسانی که حاجتی دارند شب چهارشنبه سوری نیت میکنند و بر سر چهار راهی یا اگر چهار راه نبود بر سر راهکدوی فالگوش مینویسند و نخستین عابری را که گذشت بسخن او توجه میکنند و هر چه از دهان او بیرون آمد در استعجاب مقصود خود بفال نیک یا بفال بد میگیرند اگر آن نخستین سخن باجابت آرزوی صاحب حاجت مطابق باشد آن آرزو بر آورده است و گرنه بر آورده نیست. همین فالرا ممکن است بر پشت در خانه ای یا در اطافی گرفت و باید آهسته آهسته در آمد و بی آنکه کسانی که اندرون خانه با اطافت بدانند که کسی بر در استاده است گوش فراداد و اولین سخنی را که گفته میشود در اجابت مقصود خود یا نارو اماندن آن فال گرفت .

**گره گشایی :** کسانی که بخت ایشان گره خورده و عقده ای در کارشان روی داده است چاره جز آن ندارند که شب چهارشنبه سوری گوشه دستمالی با چارقدی یا گوشه دیگر از جامه خود و یا پارچه ای را گره زنند و بر سر راهی بایستند و از اولین کسی که برشان گذشت خواستار شوند که آن گره را بدست خود بکشاید ممکن است ففلی را بر پارچه یا دستمال یا گوشه ای از جامه بست و بر سر راه ایستاد و کلید آنرا بنخستین کسی که از راه میگذرد داد که با آن کلید ففل را بکشاید و عقده از کار فرو بسته آن درمانده باز کند .

**دفع چشم زخم و بخت گشایی :** برای بخت گشایی در شب چهارشنبه سوری تدابیری معمول است و از همه شگفت تر آن است که بدباغ خانه میروند و از آب دباغ خانه اندکی بر میدارند و با خود بغانه میآورند و برای کشوده شدن بخت بر سر میریزند .

**کندرو خوشبو :** یکی از آداب چهارشنبه سوری آنست که زنان بر در دکان عطاری میروند و از او ، « کندر و شایر ای کارگشاه

میخواهند و نا عطار برود و با او در فرار میکنند این دکان باید رو بقبله باشد سپس بدکان دیگری که رو بقبله باشد میروند و « خوشبو » میخواهند که مراد اسفند است و چون عطار بی آن برود باز میگریزند و سپس بدکان سومی که رو بقبله باشد میروند و مقداری کندر و اسفند میخرند و در خانه برای دفع چشم زخم و حل مشکل خود دود میکنند .

**قلیاسودن :** یکی از وسایل دفع جادو در شب چهارشنبه سوری قلیاسودن است اندکی قلیای خشک در هاون برنجین کوچکی میریزند و هفت دختر نابالغ دسته میزنند و با آب میسایند و بر آن بول میکنند و آن آب را در چهار گوشه صحن خانه ای که آنرا جادو کرده اند میریزند و بقیه دارند که به همین تدبیر جادو باطل میشود ؟

**آش بیمار :** در خانه ای که بیماری باشد شب چهارشنبه سوری باید در شفای او کوشید که بیماری او بسال دیگر نرسد برای اینکار آشی میزنند که در میان زنان با اسم « آش بیمار » یا « آش امام زین العابدین بیمار » معروفست باید بادیه مسین بدست گرفت و با فاشق بدرخانه ای باید اطراف همسایه رفت و چنانکه او نداند که این خواهش از جانب کیست با آن فاشق بر آن طرف مسین کوبید و صاحب خانه با اطاعت و جدانام تکلف است که چیزی که بتوان در آش ریخت مانند آرد یا برنج باغلات و بنشن و بیاز و هر چه از این قبیل در خانه موجود باشد و اگر نیست چند شاهی بول در آن ظرف بریزد. هر چه در ظرف ریخته میشود باید در تر کبب آش داخل شود و اگر بول در آن ظرف در بوزد . گری ریختند با آن بول باید لوازم آش را تدارک دید و از آن آش بیمار را داد و باز مانده آن را به تنه دستان رهنم کرد و داد و همین آش هر دردی را شفا میبخشد .

**فال گرفتن با بولونی :** یکی از شیرین ترین آداب چهارشنبه سوری که بیشتر جنبه بازی و تفریح گوارایی دارد فال گرفتن با بولونی است . بولونی کوزه دهان گشاد کوچکی است که در خانه های ما فراوانست و در آن ادویه خشک یا ترشی و مربا و غیره میریزند زنان و دختران جوان گرد یکدیگر جمع میشوند و کوزه ای را میآورند هر کس هر چه همراه خود دارد و نشانه ای از او بشمار میروند در آن بولونی میاندازد و اشعار مختلف در وصف الحال که بتوان بدان نفال کرد بر قطعه های کاغذ مینویسند و تا کرده در بولونی میاندازند سپس دختر نابالغی را میخوانند و او دست در بولونی میکند و باره ای کاغذ را بیرون میآورد و یکی از حاضران شعری را که بر آن نوشته است میخواند سپس همان دختر یکی از آن اشباه را بیرون میآورد و ارائه میدهد و آن شعر که خوانده شده است

فالی است که در حق صاحب آن نشانی زده اند در اصفهان يك سرمه دان و يك آئینه كوچك نیز علاوه بر آن اشباه در بولونی میاندازند و با دیوان حافظ نفال میکنند یعنی هر چیزی که از بولونی بیرون آمد برای صاحب آن فالی از دیوان حافظ میزنند .

### آداب چهارشنبه سوری در شهرهای دیگر ایران :

شهر تهران بهترین مجموعه آداب ملی ایرانست . . . و در آداب چهارشنبه سوری نیز مردم تهران تمام رسوم متداول را حفظ کرده اند ...

**در شیراز :** آتش افروختن در معابر و خانه ها ، فالگوش ، اسپند سوختن ، نمک گرد سرگردن ؛ در موقع اسفند دود کردن و نمک گردانیدن اوراد مخصوصی است که زنان میخوانند فلرو چهارشنبه سوری در شیراز صحن بقعه شاه چراغست و در آنجا نیز توپ کهنه ای است که مانند توپ مروارید تهران زنان از آن حاجت میخواهند .

**در کرمانشاه :** مراسم چهارشنبه سوری چندان جالب دقت نیست و تنها چیزیکه مرسومست همان پریدن از روی آتش است .

**در اصفهان :** آتش افروختن در معابر ، کوزه شکستن ، فالگوش ، گره گشایی و غیره کاملاً متداولست و تمام آن آدابی که در طهران معمولست در اصفهان نیز رواج دارد و شکوه شب چهارشنبه سوری در اصفهان از تمام شهرهای ایران بیشتر است .

**در مشهد :** گره گشایی ، آتش افروختن ، کوزه شکستن و آتش بازی متداولست و علاوه بر آن تفنگ خالی کردن نیز معمولست و در هر خانه ای یکی دو تفنگ میاندازند در سایر شهرهای خراسان نیز چنین است .

**در زنجان :** آتش افروختن ، فالگوش و کوزه شکستن معمولست و در کوزه شکستن اختصاصی که مردم زنجان دارند اینست که بولی با آب در کوزه میاندازند و از بام زیر میافکنند . دیگر از خصوصیات مردم زنجان اینست که دخترانی را که میخواهند زود تر شوهر بدهند باب انبار میبرند و هفت گره بر جامه ایشان میزنند و پسران نا بالغ باید آن هفت گره را بکشایند . یکی از آداب دیگر مردم زنجان اینست که از روزنه بغارها یا اجاقهای خانه طنابی داخل اطاعت میکنند و بوسیله آن طناب چیزی طلب میکنند صاحب اطاعت مکلف است اولین چیزی که در دسترس او بود بر طناب بیند و چون طناب را بالا کشیدند بوسیله آن چیزی که بر طناب بسته اند فال میگیرند مثلاً اگر جارویی بر طناب بسته باشد از آن فال بد میگیرند که خانه خراب خواهد شد و خانه ایشان را جاروب خواهند کرد و اگر پارچه نانی بیندند

فالی نیک میگیرند که وفور نعمت خواهد بود و اگر شیرینی بطناب بینند نشانه شیرین کامی است .

در تبریز ، آتش بازی و گره کشایی از قدیم معمول بوده است آتش افروختن در این اواخر متداول شده است

آجیل و میوه خشک خوردن از ضروریات است و ترک نمیشود اگر دوست پامهان و تازه واردی داشته باشند باید حتماً شب چهارشنبه سوری خوانچه‌ای از آجیل و میوه خشک برای او بفرستند دیگر از خصوصیات مردم تبریز آنستکه از بام‌خانه ها بر سر عابرین آب میباشند این عادت از آداب بسیار قدیم نژاد ایرانیست و در زمان ساسانیان معمول بوده است که در جشن نوروز مردم بر یکدیگر آب میپاشیده اند .

و هنوز در میان ارمنیان و زردشتیان ایران هم معمولست که در یکی از جشنهای خود بر یکدیگر آب میریزند. در تبریز هم در میدان ارک تویی است مانند توب سروارید طهران که زنان بآن متوسل میشوند.

در آذربایجان مخصوصاً در شهر تبریز تیر انداختن در شب چهارشنبه سوری بسیار متداولست و حتی بدرجه‌ای درین باب مبالغه می کردند که سابقاً در هر کجا فوج سربازی بود می‌بایست در آن شب صف بکشند و دسته جمع تیر بیندازند و صاحب‌تصابان نمیتوانستند افواج خود را ازین کار مانع کردند .

**درارومیه ( رضایه )** شب چهارشنبه سوری بر بام خانه‌ها میروند و کجاوه‌ها را که زینت کرده و آرایش داده و بر آن طاق‌شال کشمیری کشیده و آئینه بسته اند با طنابی از بام بسطح خانه فرود می‌آورند و میگویند: « بکش که حق مرادت را بدهد » کسیکه در خانه است مکلف است که در آن کجاوه شیرینی و آجیل شور و شیرین و میوه خشک بریزد و پس از آنکه چیزی در آن ریختند با طناب آنرا بالا میکشند و بغضه دیگر میبرند مخصوصاً دامادی که تازه زن گرفته و هنوز عروسی نکرده است موظف است که چنین کجاوه‌ای بیام خانه عروس ببرد و اگر نتواند از بام بالا روند باید به پشت در روند و در پشت در پنهان شوند که کسی نبیند و آن کجاوه را در اطاق بیندازند و همین نهج چیزی طلب کنند . ( نقل از مقاله‌ای تحت عنوان « چهارشنبه سوری » بقلم آقای سعید نفیسی مندرج در شماره یازدهم سال اول و شماره اول سال دوم مجله مهر ) .

آقای دکتر محمد مقدم استاد زبان شناسی دانشکده ادبیات در جشن چهارشنبه سوری ( اسفند ۱۳۳۶ ) که در آن دانشکده برگزار شده سخنرانی کرده‌اند و مجله دانشکده ادبیات در شماره سوم سال پنجم خلاصه

سخنرانی ایشان را چاپ کرده است که قسمتی از آن سخنرانی را در اینجا نقل میکنیم :

« خاستگاه چهارشنبه سوری مانند بسیاری دیگر از مشکلات تاریخی ایران باستان پویشیده بود تا « ذ . بهروز » در بررسیهای خود آنرا روشن کرد ( نگاه کنید به ذ . بهروز تقویم و تاریخ در ایران از رصده زردشت تا رصده خیام ، زمان مهر و مانی ، تهران ۱۳۳۱ شماره ۱۵ ایران کوده ) اکنون میدانیم که شب چهارشنبه سوری جشنی است که مانند بیشتر جشنهای ایرانی که با ستاره شناسی بستگی دارند مبداء همه حسابهای علمی تقویمی است . در آن روز در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد زردشت بزرگترین حساب گاه شماری جهان را نموده کبیسه پدید آورده و تاریخهای کهن را درست و منظم کرده است .

امسال که جشن چهارشنبه سوری میگیریم سه هزار و شصده و هشتاد و سومین بار است که این جشن در ایران گرفته میشود .

( مجله دانشکده ادبیات شماره ۳ سال پنجم )  
|| چهارشنبه آخرین ماه صفر ( آندراج ) .

رجوع شود بشماره ۱۱ سال اول و شماره ۱ سال دوم مجله مهر و نشریه شماره ۲ انجمن ایران شناسی و شماره ۱۵ ایران کوده .